



## عملکرد غیر ایدئولوژیک اسلامگرایان ترکیه

(بخش اول)  
شهرام کالجی

حزب در ژوئن ۱۹۹۷ با فشار ارتش ترکیه از قدرت کناره گرفت و برای دادگاه قانون اساسی منحل شد. پس از آن اسلامگرایان به رهبری «رجایی کوتان» حزب فضیلت را بنیان گذاشته که این حزب نیز منحل شد. از کادرهای ارشد حزب فضیلت در ماه مه ۲۰۰۱ طرفداران نوگرایی این حزب با رهبری رجب طیب اردوغان حزب عدالت و توسعه را تأسیس کردند و وفادارترها به میراث اربکان به رهبری رجایی کوتان حزب سعادت را بنیان گذاشتند. در این میان دولت ائتلافی بولنت اجویت از جریان لائیک ترکیه به خاطر اختلاف نظر با رئیس جمهور و به ویژه تفاوت سلیقه احزاب تشکیل دهنده در نیمه راه ماند و مجبور به برگزاری انتخابات زودرس در سال ۲۰۰۲ شد. در انتخابات زودرس نوامبر ۲۰۰۲ این نوگراها بودند که با کسب ۲/۳۴ درصد آرای مردم حزب حاکم ترکیه شدند. و بدین ترتیب بود که برنده انتخابات حزب تازه تأسیس عدالت و توسعه بود که به رهبری رجب طیب اردوغان از حزب فضیلت منشعب شده بود.

به قدرت رسیدن شاگردان نوگرایی مکتب سیاسی نجم الدین اربکان مؤسس حزب اسلامگرایی رفاه سرآغاز حیات جدید سیاسی در ترکیه به شمار می‌رود. چرا که این جریان اسلام گرا با اتخاذ خط مشی متعادل و رهیافتی غیرایدئولوژیک، در تعامل با سایر احزاب لائیک موجب شد صحنه سیاسی و اجتماعی ترکیه پس از چندین دهه تنش، به سوی ثبات و آرامش حرکت کند. در واقع عملکرد غیر ایدئولوژیک اسلام گرایان حزب عدالت و توسعه و در اولویت قرار دادن منافع ملی به جای منافع و گرایش‌های حزبی، موجب شد زمینه‌ای برای نوعی تفاهم ملی و رسیدن تمامی جریان‌های سیاسی به نقطه تعادل فراهم شود. این نگاه غیرایدئولوژیک، مبتنی بر واقعیتها و بویژه دیدن مشکلات از زاویه نوگرایی شاید عمده ترین تفاوت حزب عدالت و توسعه و رهبری آن با سایر احزاب اسلامی در کشورهای مسلمان و حتی با سلف خود حزب رفاه اربکان باشد.

از این رو است که شاهد هستیم عبدالله گل رئیس جمهور کنونی ترکیه و از رهبران بلند پایه حزب عدالت و توسعه در پاسخ به سؤالی که آیا پیروزی این حزب به معنی اجرای شعار اسلامی در ترکیه است این گونه اظهار

کشمکش جریان سکولار و غربی حاکم در مقابل جریان سنتی و مذهبی به مهم‌ترین چالش سیاسی و اجتماعی ترکیه تبدیل شد. به گونه‌ای که نظامیان ترک به عنوان اصلی‌ترین حافظان نظام لائیک ترکیه در طی قرن بیستم دست به کودتا زدند تا از آموزه‌های آتاتورک در مقابل موج اسلام‌گرایی و جریان‌های سنتی محافظت کنند. از این رو است که اندیشمندان حوزه مسایل سیاسی و جامعه شناسی بر این باورند ترکیه کشوری است که از نظر جامعه شناسی دچار مشکلات هویتی است. از جمله ساموئل هانتینگتون در کتاب «برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظام جهانی» ترکیه را به عنوان یکی از مصادیق گسل تمدنی بین اسلام و مسیحیت و یا به عبارتی دیگر عرصه تضاد میان تفکر مذهبی و سکولار می‌داند و معتقد است که این جمهوری سرگردان در تاریخ معاصر خود و در سیر تحولات سیاسی و اجتماعی نه راهی به بروکسل (اتحادیه اروپا) داشته است و نه راهی به مکه (جهان اسلام).

بر بستر این واقعیت اجتماعی، صحنه سیاسی ترکیه همواره عرصه تقابل و رقابت دو جریان ملی‌گرا و لائیک با حمایت شدید نظامیان از یک سو و جریان‌های اسلام‌گرا از سوی دیگر بود. آنچه در صحنه واقعی رخ داد، حاکمیت مطلق جریان‌های لائیک به مدت نزدیک به شش دهه چه از طریق انتخابات و اقبال عمومی و چه از طریق کودتا و به کارگیری قوه قهریه بود. این وضعیت در سال ۱۹۹۵ و پیروزی حزب اسلام‌گرای رفاه به رهبری نجم الدین اربکان دچار تغییرات اساسی شد هرچند به معنی پایان این تقابل و چالش نبود. در انتخابات دسامبر ۱۹۹۵ حزب اسلامگرایی رفاه ترکیه با کسب ۲۱ درصد آرای مردم با ائتلاف با محافظه کاران، حزب حاکم ترکیه شد. اما این

بجمله‌وری ترکیه یکی از مهم‌ترین کشورهای منطقه پرتنش و حساس خاورمیانه به شمار می‌رود. موقعیت خاص جغرافیایی ترکیه موجب شده است که این کشور از موقعیت استراتژیکی خاصی برخوردار باشد، این سرزمین همانند پلی دو منطقه مهم و استراتژیکی بالکان و خاورمیانه را به یکدیگر متصل می‌کند. وجود نفت در خاورمیانه و بحران‌های متعدد، در این منطقه موجب افزایش اهمیت ترکیه گشته، همچنین نزدیکی این کشور به دریای سیاه، اژه، مدیترانه و وجود دو تنگه مهم بسفر و دارانل، باعث شده است کالاهای مصرفی اروپا از طریق ترکیه به خاورمیانه ارسال شود. در واقع بر بستر چنین موقعیتی ژئوپلیتیکی است که تحولات سیاسی ترکیه در عرصه‌های داخلی و خارجی به صورت جدی مورد توجه بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار می‌گیرد. در این نوشتار کوشش می‌شود، به صورت فشرده مهم‌ترین تحولاتی که در عرصه سیاست داخلی و خارجی ترکیه بر محور برنامه‌های حزب عدالت و توسعه و با هدایت سیاستمدارانی چون عبدالله گل، رجب طیب اردوغان و احمد اوداگلو بوقوع پیوسته است را مورد واکاوی قرار دهیم تا درک و بینش جامع‌تر و واقع‌بینانه‌تری نسبت به تحولات پرشتاب این همسایه غربی کشورمان حاصل شود و دریابیم ترکیه با آن اقتصاد شکننده و برخوردار از نرخ‌های تورم و صفرهای نجومی در پول ملی، چگونه ظرف مدت کوتاهی تبدیل به چنان قدرت اقتصادی شده است که همپای قدرت‌های بزرگ جهان در نشست‌های گروه ۲۰ برای فائق آمدن بر بحران اقتصاد جهانی در لندن و واشنگتن حضور پیدا می‌کند.

تحولات داخلی ترکیه: حرکت به سوی تعادل و نهادینه شدن دموکراسی

فروپاشی امپراطوری عثمانی که به منزله پایان رسمی آخرین سیستم خلافت اسلامی در جهان اسلام بود، در نهایت منجر به شکل‌گیری موجودیت جدیدی با نام ترکیه شد و آتاتورک ماموریت یافت تا کشوری پیشرفته، مدرن و مطابق با آموزه‌های جهان غرب بسازد. از این مقطع یعنی ابتدای قرن بیستم، کشمکش میان سنت و مدرنیسم و به عبارتی بهتر



گشاده لب و رسم دندان شود

هر آنکه که در بوم خندان شود

داشت: «ما را اسلامی خطاب نکنید ما یک حزب جدید محافظه کار هستیم. **اختلاط دین و سیاست منجر به نابودی هر دو خواهد شد.**» و یا در موضع گیری دیگر رجب طیب اردوغان رهبر حزب نیز پس از پیروزی در انتخابات در گفتگو با هفته نامه نیوزویک در نوامبر ۲۰۰۲ صراحتاً اعلام کرد: حزب ما بر مبنای مذهب شکل نگرفته است. این رسانه‌های ترکیه هستند که سعی کرده اند ما را در این طبقه جای دهند. این گونه موضع گیری‌ها به ویژه در موضوعات بحث انگیزی مانند اجرای شریعت اسلامی، نقش مذهب در عرصه سیاسی و اجتماعی، پوشش زنان و... موجب شد تا سیاست‌های حزب عدالت و توسعه کم‌ترین واکنش را در جریان‌های لائیک و نظامیان ترکیه پدید آورد.

یکی دیگر از موفقیت‌های حزب عدالت و توسعه را باید رشد قابل ملاحظه در حوزه اقتصادی دانست؛ آن گونه که اقتصاد شکننده و برخوردار از نرخ‌های تورم و صفرهای نجومی در پول ملی را ظرف مدت کوتاهی به چنان قدرت اقتصادی تبدیل نمود که همپای قدرت‌های بزرگ جهان در نشست‌های گروه ۲۰ برای فائق آمدن بر بحران اقتصاد جهانی در لندن و واشنگتن حضور پیدا می‌کند. در واقع در سایه ثبات و آرامش داخلی، اقتصاد ترکیه در سال ۲۰۰۶ برای پنجمین سال متوالی به رشد سریع خود ادامه داد و در سال ۲۰۰۶ رشد تولید ناخالص ملی این کشور به ۶ درصد (فراتر از حد انتظار) رسید. این رشد پویا باعث ورود نزدیک به ۱۲ میلیارد دلار سرمایه مستقیم خارجی به این کشور تنها در سه ماه اول سال ۲۰۰۷ گردید. علی‌باباجان وزیر اقتصاد و رئیس هیئت مذاکره کننده ترکیه با اتحادیه اروپا نیز تولید ناخالص ملی ترکیه در سال ۲۰۰۶ را ۴۰۰ میلیارد دلار و در آمد سرانه ترکیه را ۵۴۷۷ دلار عنوان کرد. باباجان بدهی خالص دولت منتهی به آخر سال ۲۰۰۶ را ۸۲۵۷ میلیارد لیر ترک (معادل ۴/۱۸۳ میلیارد دلار) اعلام کرد که نسبت بدهی‌های دولت به تولید ناخالص ملی در این سال به ۴۴/۴ درصد رسید. این رقم در سال ۲۰۰۲ حدود ۴/۷۸ درصد بوده است.

بر اساس آمار مؤسسه آمار دولتی ترکیه، در سال ۲۰۰۶ نرخ رشد تولید ناخالص ملی این کشور برابر شش درصد و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی نیز برابر ۱/۶ درصد شد. نرخ رشد اقتصادی ترکیه در زمان تصدی حزب عدالت و توسعه بر دولت به بیشترین میزان خود در طول دوران جمهوریت ترکیه در سال ۲۰۰۴ رسید. نرخ رشد اقتصادی در این سال به ۹/۹ درصد رسید. این رقم در سال ۲۰۰۵ به ۶/۷ درصد رسید. در سال ۲۰۰۱ میلادی درآمد سرانه ترکیه ۲۱۲۳ دلار بود و در سال ۲۰۰۴ برای اولین بار در تاریخ ترکیه به بیش از ۴۰۰۰ دلار رسید. در سال ۲۰۰۵ این رقم از مرز پنج هزار دلار گذشته و در سال گذشته به ۵/۵ هزار دلار نزدیک شد. همچنین، دولت اردوغان تلاش گسترده‌ای را برای کاهش نرخ تورم به عمل آورده است. نرخ تورم ترکیه که از ۱۱۰ درصد در سال ۱۹۸۰ به تدریج به ۹/۴ درصد در سال ۲۰۰۲ رسیده بود پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه به ۴/۱۸ درصد در سال ۲۰۰۳، ۳/۹ درصد در سال ۲۰۰۴ و ۷/۷ درصد در

سال ۲۰۰۵ رسیده است.

اما در کنار موفقیت‌های حزب عدالت و توسعه در زمینه تعامل با جریان‌های لائیک و نظامی ترکیه و نیز پیشرفت چشمگیر در حوزه اقتصادی، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این حزب را باید تغییر در نحوه مدیریت سیاسی کشور در قبال مسأله اقلیت‌های قومی کرد و ارامنه دانست؛ امری که بی‌ارتباط با نزدیک شدن به شرایط و معیارهای اتحادیه اروپا نیست. اتحادیه‌ای که بیش از چهاردهه ترکیه در انتظار ورود به آن به سر می‌برد.

مسئله اقلیت‌ها از زمانی تبدیل به یک بحران سیاسی در جامعه ترکیه شد که آتانورک در پرتو آرمان‌های پان‌ترکیستی و ناسیونالیستی، شعار یک ملت، یک کشور و یا ترکیه از آن ترک‌ها را سرداد و با نادیده گرفتن بسیاری از حقوق اولیه و به حق اقلیت‌های قومی، جامعه ترکیه را برای چندین دهه وارد یک بحران سیاسی، امنیتی و اجتماعی جدی نمود. از این رو یکی از مهم‌ترین چالش‌های امنیتی دولتمردان ترکیه در چند دهه اخیر مسئله چگونگی برخورد و کنترل شورش‌های قومی بویژه کردها در شرق این کشور بود. در واقع در کنار جنبش اسلام‌گراها، از سال ۱۹۸۰ مسأله کردهای ترکیه نیز همواره صحنه سیاسی این کشور را به خود مشغول کرده است. البته از آغاز بنیان نهادن دولت جمهوری، هر گونه حرکت جدایی‌خواهانه از جمله تحریکات کردی ممنوع شد. کاربرد زبان کردی در مجامع عمومی و امور آموزشی نیز ممنوع گردید. آن گونه که انتظار میرفت، سرکوب بیرحمانه فرهنگی و عدم توسعه اقتصادی، منابع تغذیه مقاومت در برابر حاکمیت شدند. بعد از ۱۹۸۳ حکومت نظامی در استانهای کردنشین برقرار شده و در نتیجه دستگیری‌های دسته جمعی، شکنجه و جابه‌جایی قهر آمیز روستائیان روی داد. در سال ۱۹۸۴ عبدالله اوجالان از تبعیدگاه خود در سوریه به ترکیه برگشت تا رهبری حزب کارگران کرد «PKK» را در حملات چریکی به مواضع و استحکامات دولتی به عهده گیرد. در مقابل، سرکوب‌های نیروهای دولتی شدت گرفت تا این که در سال ۱۹۹۹ بعد از به جای گذاشتن بیش از سی هزار نفر به پایان رسید.

شورای امنیت سازمان ملل برای نخستین بار پس از جنگ اول خلیج فارس و طرح مورد حمایت آمریکا مبنی بر اعلام منطقه پرواز در شمال عراق، (منطقه کردنشین) موضوع حقوق بشر کردها را رسماً وارد برنامه سازمان ملل کرد. در همان سال تورگوت اوزال سیاست گشایش فرهنگی و برخورد مسالمت آمیز با موضوع زبان کردی را پیش گرفت و اجازه صحبت در محافل غیر رسمی را صادر کرد. در سال ۱۹۹۳ او جالان ضمن محکوم کردن ادعاهای جدایی طلبانه و سیاست ایجاد کردستان مستقل اعلام آتش بس کرد و به جای آن خواستار اعطای آزادی‌های سیاسی و فرهنگی شد. مسأله کردها به روابط ترکیه با کشورهای همسایه ایران، سوریه و عراق نیز سایه انداخته است. نگرانی‌های جدایی طلبانه همانگونه که اشاره رفت در دهه ۸۰ و به علت سیاست‌های نا پخته دولت ترکیه در قبال کردها )

ممنوع کردن رسانه‌های کرد زبان، موسیقی کردی و حتی استفاده از زبان کردی در مناسبت‌های رسمی و انکار هویت جداگانه برای کردها، ابعاد بیشتری گرفت. در صورتی که بر قراری آرامش در نقاط کردنشین و بهره مند شدن آنها از انواع امکاناتی که دولت ترکیه در اختیار آنان قرار میدهد و همگرایی داوطلبانه آن‌ها با جامعه ترکیه را به دنبال می‌آورد، میتوان به تهدیدی علیه ایران، سوریه و عراق تبدیل شود. کردها زمانی که به پیشرفت دست یافتند و از زندگی دموکراتیک برخوردار شدند، سه کشور دیگر دارای اقلیت کرد برای اعطای هر آن چه دولت ترکیه در اختیار کردهای این کشور قرار داده است تحت فشار قرار خواهد گرفت.

در خلال سالهای گذشته دولت ترکیه تأمین خواسته‌های کردها از جمله فراهم آوردن امنیت فرهنگی، خود مختاری فرهنگی، حق استفاده از زبان کردی و به رسمیت شناختن کردها به عنوان ملتی جداگانه گام‌های بلندی برداشته است. دولت عدالت و توسعه نیز در راستای اصلاحات خود برای ورود به اتحادیه اروپا حقوق حقه کردها را البته در حوزه‌های فرهنگی واجتماعی به رسمیت شناخته و با تصویب قوانینی ممنوعیت‌های استفاده از زبان کردی و پخش برنامه‌ها تنها به زبان ترکی را پایان بخشیده است.

در کنار این تغییر رویکرد در قبال اقلیت کرد، تغییر سیاست‌هایی در قبال ارامنه ساکن ترکیه نیز صورت گرفته است. اهمیت این اقدام آنکارا، از آن رو حائز اهمیت است که اتهام ارامنه بویژه دولت ارمنستان به دست داشتن ترک‌ها در قتل عام ارامنه در سال ۱۹۱۵ و نیز مسأله ناگورنو-قره باغ موجب شده بود مسأله ارامنه با حساسیت خاصی در جامعه ترکیه دنبال شود. اما در چند سال اخیر به موازات تغییر در سیاست‌های دولت مرکزی در قبال کردها، اقداماتی نیز برای بهبود وضعیت جامعه ارامنه ساکن ترکیه صورت گرفت که بخش بزرگی از آن به بهبود مناسبات ترکیه و ارمنستان بر می‌گردد. راهپیمایی گسترده در استانبول در محکومیت قتل هرانک دینک، روزنامه نگار ارمنی - ترک، نوسازی کلیساهای ارامنه در آناتولی ترکیه، امضای طوماری با عنوان "ما به خاطر نسلکشی ۱۹۱۵ پوزش می‌خواهیم" از سوی روشنفکران ترکیه و نیز تأسیس دانشکده زبان و ادبیات ارمنی در دانشگاه نوشهر ترکیه و... نمونه‌هایی از این گونه تلاشها به شمار می‌رود.

در مجموع باید بدین نکته اشاره نمود که سیاست‌های حزب عدالت و توسعه در عرصه داخلی جامعه ترکیه، به عنوان یک نقطه عطف در حیات سیاسی این کشور به شمار می‌رود. پیروزی مجدد حزب عدالت و توسعه در انتخابات سال ۲۰۰۷ نشان از اقبال جامعه ترکیه به خط مشی معتدل و غیر ایدئولوژیک این حزب دارد. این روند رو به رشد رهبران موجب شده است تا رهبران حزب عدالت و توسعه با جسارت و اعتماد به نفس بیشتری برنامه‌های خود در حوزه سیاست داخلی و خارجی را پیگیری نمایند.▲